

مطالبات فرهنگیان بازنشسته و فریادهای بی پاسخ

باری دیگر در تازه ترین تجمعات صنفی معلمان بازنشسته تکرار شد

سخن معلم/معلمان بازنشسته برای چندمین بار یکشنبه گذشته در تهران مقابل وزارت آموزش و پرورش و در استان ها و شهرستان ها مقابل ادارات کل و مناطق تجمع کردند تا از آب شدن مطالبات خود در مقابل آفتاب سوزان تورم بگویند و از تاخیر پرداخت در پاداش پایان خدمت که حالا ارزش آن نصف شده و چندان به کار دوران بازنشستگی آنها نمی آید و ده ها گره و مشکلی که نتایج یک عمر تحمل مشکلات معیشتی حرفه معلمی برایشان باقی مانده و امید داشتن با اندک پاداش پایان خدمت برخی از گره ها را باز کنند این امید نیز با تاخیر در پرداخت ها به نا امیدی تبدیل شده است.

ریشه مشکل ما وزیر و نیروهای ناکارآمد وزراتخانه است

تجمع کنندگان از طیف ها و گرایش های مختلف سیاسی بودند یکی از آنها که معلوم است حامی حاکمیت است گفته؛ من همیشه از مملکت و میهنم و رهبرم در تمامی مجامع دفاع میکنم و تا پای جان برای مملکت می ایستم ،اما نمی توانم قبول کنم که یکی داره حقمو میخوره و به روی خودشم نمیاره .در واقع مشکل اصلی معلمان ایرانی نداشتن وزیر لایق و توانمند و عوامل اجرایی توانمند در وزارتخانه هست اگر وزیر طبق شرح وظیفه به کارشناسان زیر دست خود دستور اجرای به موقع تمامی بخشنامه و دستورالعمل ها را بدهد و عوامل زیر دست هم وظایفشونو درست و به موقع انجام دهند هیچ یک از این مشکلات بوجود نمی آید و نخواهد آمد، بلکه همه راضی و خشنود و به افزایش توانایی کاری خود می پردازد .

تهدید و تحقیر بجای پاسخگویی

این فرهنگی بازنشسته حاضر در تجمع یک شنبه گذشته مقابل وزارت آموزش و پرورش در ادامه می نویسد؛ به چشم دیدم که حراست وزارتخانه سعی داشت که با صحبتهایش باعث تحریک و ایجاد خشونت در معلمان بشود.دیدم که نیروهای خسته نیروهای انتظامی از اول شروع به تحریک و بد اخلاقی و حتی معلمان را تشویق به اعتراض می کردند. خود دیدم که سردار نیروی انتظامی به جانبداری از معلم ایرانی از

مسولین وزارتخانه خواهش کرد که جوابگوی معلمان خسته از زحمت ۳۰ساله باشند اما دریغ از یک جواب. ایران ما را چه می شود که مسئولانش خود را بسیار بالاتر از مردمش می دانند و جوابگوی هیچ کاری نیستند. خجالت می کشم وقتی می بینم مسئولان کشور ژاپن بدون هیچ تمدن و پیشینه تاریخی وقتی یک کار اشتباه باعث ناراحتی عده ای می شود در رسانه ملی با تعظیم عذرخواهی می کند ، اما مسول ایرانی ما نه تنها پاسخ نمی دهد بلکه با کمک نیروهای امنیتی و با کتک کاری و گاز فلفل ارباب رجوع را از محل پاسخگویی متفرق می کنند.

بغض دارم بغضی که می خواهد بترکد

رحمانی یکی از معلمان بازنشسته دیگر هم در این زمینه نوشته است که خیلی متاسفم برای خودم که بهترین سالهای عمرم را با خلوص و عشق در سازمانی کار کردم که حتی ذره ای برای کارمندش ارزشی قائل نبود و نیست. متاسفم برای خودم که زندگی و فرزندانم را فدای کار در چنین سازمانی کردم. شرمنده از خودم که از همه چی زدم و وقف کار کردم. امروز بعد از سی و سه سال کار خالصانه و صادقانه متوجه شدم به اندازه یک پیام تبریک برای وزارت یا سازمانی که کار می کردم ارزشی نداشتم. بغض دارم بغضی که میخواهد بترکد بغضی که میخواهد بمن بفهماند که ای کاش فرزندت را فدای کار نمی کردی ، بفهماند که مسافرت را بر خانواده زهر نمی کردی برای رسیدن بموقع به سرکار، بفهماند که کار ارزش آن را ندارد که فرزندان هنوز از شیر سیر نشده و تمنای مادر دارد را از شیر بگیری تا سرکار برسی و به فرزندان دیگران برسی ، بفهماند و یاد آوری کند تمام سختی های دوران کار را.

من خدمت صادقانه و عاشقانه انجام داده بودم

وی در ادامه نوشته است؛ امروز بعد از سی سه سال سابقه فهمیدم حتی ارزش آنرا ندارم که مسئول بالا دستی ام یک تبریک خشک و خالی هم برایم بگویند و یا حتی نگاهی بصورتم بکند و ببیند کیستم. مسئولی که حتی بخود زحمت نیم خیز شدن را بخود نداد تا به رسم ادب به همکارش تبریک بگوید و آرزوی سلامتی کند مسئولی که که مثل ... سرش پایین بود و فرم پایان خدمت را پرکرد. بغض دارم از حماقت خودم که در سن ۱۸ سالگی در روستای دور افتاده در اتاقی نمود و با ترس و لرز شبها رو صبح کردم . بغض دارم از مسیری که باید پیاده از برف و کولاک می گذشتم با ترس حمله گرگ، بغض دارم و بغض دارم از هزاران

حرف نگفته، بغض دارم از پایانی که ظالمانه بود. من خدمت صادقانه و عاشقانه انجام داده بودم و لی پایانی ظالمانه داشتم پایانی که دست پروده های خودم (هر چند من به هیچ دانش آموزی بی احترامی کردن را یاد ندادم) با نام مامور امنیت با اسپری فلفل و لگد هتک حرمتی تلخ و ظالمانه کردند. بغض دارم برای روزهایی که عاشقانه کار می کردم تا دیر وقت و از استراحت و تفریح خودم می زدم، بغض دارم از مدیری که تمام وقت در خدمتش بودم ولی الان جواب پیامک من را نمی دهد بغض دارم و هزاران بغض و تاسف و.....